

# مبانی اقتصاد سیاسی

پ. نیکی تین  
پروفیسر ناصر زرافشان

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## FUNDAMENTALS OF POLITICAL ECONOMY

P. NIKITIN

اندیشہ ارات آگاہ



Agah Publishing House

www.ketab.ir

---

سرشناسه: نیکیتین، پیوتر ایوانوویچ، ۱۹۱۶-م. Nikitin, Petr Ivanovich  
عنوان و نام پدیدآور: مبانی اقتصاد سیاسی / پ. نیکیتی تین: ترجمه ناصر زرافشان.  
مشخصات نشر: تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۲۶۷ ص. جدول، نمودار

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶-۲۸۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Fundamentals Of Political Economy.

موضوع: اقتصاد مارکسیستی

شناسه افزوده: زرافشان، ناصر، ۱۳۲۵ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ م ۹/۵/۱۳۸۷ HB۹۷/۵

رده بندی دیویی: ۳۳۵/۴

کتاب شناسی ملی: ۱۲۱۶۱۴۹

---

This is a Persian translation of

# FUNDAMENTALS OF POLITICAL ECONOMY

by P. NIKITIN

---

Progress Publishers | Moscow  
Translated by Nasser Zarafshan  
Agah publishing house | Tehran | 2023

## مبانی اقتصاد سیاسی

پ. نیکی نین  
نصر زرافشان

چاپ یکم ترجمه فارسی: ۱۳۸۷  
آماده سازی، صفحه آرایی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه  
حروف نگار: سمیه حسینی

نوبت چاپ: نهم، ۱۴۰۲  
شمارگان: ۵۵۰ نسخه  
چاپ و صحافی: فرهنگ بان  
همه ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

مدیریت هنری و طراحی گرافیک:  
استودیوی طراحی اشکان فروتن

انتشارات آگه  
انقلاب، بین فروردین و اردیبهشت، پلاک ۱۳۴۰  
۰۲۱ - ۶۶ ۴۶ ۷۳ ۲۳

info@agahbookshop.com | @agahpublishers

فروش اینترنتی: agahbookshop.com  
قیمت: ۲۲۰,۰۰۰ تومان

---

## فهرست

- مقدمه: موضوع علم اقتصاد سیاسی ۹
- تولید ثروت مادی شالوده حیات اجتماعی است ۱۰
- نیروهای مولد و روابط تولیدی ۱۲
- قوانین اقتصادی تکامل اجتماعی ۱۸
- موضوع اقتصاد سیاسی ۲۲
- فصل یکم: شیوه‌های تولید پیش از سرمایه‌داری
۱. شیوه تولید اشتراکی اولیه ۲۵
۲. شیوه تولید برده‌داری ۳۰
۳. شیوه تولید زمینداری ۳۴
۴. فروپاشی و زوال زمینداری و ظهور مناسبات سرمایه‌داری
- در درون نظام زمینداری ۳۶
- شیوه تولید سرمایه‌داری ۳۹
- الف. سرمایه‌داری پیش از انحصار
- فصل دوم: تولید کالایی-کالا و پول
۱. توصیف عمومی تولید کالایی ۴۱
۲. کالا و کاری که کالاها را به وجود می‌آورد ۴۶

- ۵۶ ۳. تکامل مبادله و شکل‌های گوناگون ارزش  
 ۶۰ ۴. پول  
 ۶۸ ۵. قانون ارزش، یک قانون اقتصادی تولید کالایی است

### فصل سوم: سرمایه و ارزش اضافی

#### مزدها در نظام سرمایه داری

- ۷۶ ۱. انباشت اولیه سرمایه  
 ۷۸ ۲. تبدیل پول به سرمایه  
 ۸۳ ۳. تولید ارزش اضافی، استثمار سرمایه‌داری  
 ۹۱ ۴. سرمایه و اجزای آن  
 ۹۵ ۵. راه‌های دوگانه افزایش درجه استثمار  
 ۱۰۵ ۶. مزد در نظام سرمایه‌داری

#### فصل چهارم: انباشت سرمایه و خراب‌تر شدن شرایط کارگران

- ۱۱۷ ۱. انباشت سرمایه و ارتش بیکاران  
 ۱۳۲ ۲. قانون عمومی انباشت سرمایه‌داری

#### فصل پنجم: تبدیل ارزش اضافی به سود و توزیع آن

#### بین گروه‌های مختلف استثمارگر

- ۱۴۱ ۱. شکل‌های خاص سرمایه  
 ۱۴۵ ۲. سود متوسط و قیمت تولید  
 ۱۵۳ ۳. سود بازرگانی  
 ۱۵۷ ۴. سرمایه استقراضی - شرکت‌های سهامی  
 ۱۶۳ ۵. رانت زمین و روابط ارضی در نظام سرمایه‌داری

#### فصل ششم: بازتولید سرمایه اجتماعی و بحران‌های اقتصادی

- ۱۷۶ ۱. بازتولید سرمایه اجتماعی

## فهرست ۷

- ۱۸۵ ۲. درآمد ملی  
۱۸۹ ۳. بحران‌های اقتصادی

### ب. سرمایه‌داری انحصاری - امپریالیسم

#### فصل هفتم: خصوصیات اقتصادی امپریالیسم

- ۲۰۱ ۱. تراکم تولید و انحصارات  
۲۱۰ ۲. سرمایه‌های مالی و الیگارش‌های مالی  
۲۱۶ ۳. صدور سرمایه، تقسیم اقتصادی و سرزمینی جهان  
۲۲۶ ۴. سود انحصاری، نیروی محرکه سرمایه‌داری انحصاری

#### فصل هشتم: جایگاه امپریالیسم در تاریخ

##### بحران عمومی سرمایه‌داری

- ۲۳۱ ۱. جایگاه امپریالیسم در تاریخ  
۲۴۵ ۲. بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی

## مقدمه

### موضوع علم اقتصاد سیاسی

شناخت جهان هدف مطالعه بسیاری از علوم است. از این علوم برخی پدیده‌های طبیعی و برخی دیگر جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهند. علمی که به طبیعت می‌پردازند، علوم طبیعی و علمی که جنبه‌های مختلف تکامل اجتماعی را بررسی می‌کنند، علوم اجتماعی نامیده می‌شوند. علم اقتصاد<sup>۱</sup> یکی از علوم اجتماعی و جزء مهمی از دانش

۱. این علم از سوی بنیانگذاران آن اقتصاد سیاسی نامیده شده است؛ نامی که معرف مضمون آن است. اما در متون و محافل دانشگاهی و نهادهای رسمی و دولتی کشورهای سرمایه‌داری، به دلایل کاملاً ایدئولوژیک، آن را به‌طور ساده «علم اقتصاد» می‌نامند. و در ایران نیز به تقلید از آنان، در متون رسمی و دانشگاهی بیشتر همین عنوان به کار می‌رود. اما این علم با خود تولید، کاری ندارد و موضوع آن نه تولید، بلکه نظام اجتماعی حاکم بر تولید و توزیع ثروت است. و از این رو «اقتصاد سیاسی» که عنوان اولیه و اصلی آن است، موضوع و مضمون این رشته را بهتر و رساتر ارائه و بیان می‌کند. تولید هر کالایی — در معنی دقیق و خاص آن — شامل تکنولوژی و فنون خاصی است که به علم اقتصاد مربوط نمی‌شود و بیشتر در قلمرو و علوم فنی و مهندسی قرار می‌گیرد. اما این علم جنبه‌های اجتماعی تولید و به عبارت دیگر روابط اجتماعی حاکم بر تولید را بررسی می‌کند و به همین دلیل یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است؛ و به هر حال از آن‌جا که با نظام اجتماعی تولید و توزیع ثروت و در نتیجه با شکل طبقاتی جامعه که تابع چگونگی توزیع ثروت است و ملاً با نتایج

علمی-تاریخی است زیرا مستقیماً شالوده حیات جامعه بشر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

### تولید ثروت مادی، شالوده حیات اجتماعی است

در تمام اعصار، انسان در اندیشه دلیل تغییر و تکامل جامعه بوده است. در این باره نظرهای گوناگونی اظهار شده است. فی‌المثل، اهل مذهب همیشه گفته‌اند که تکامل یکسره به اراده نیروهای ماوراء طبیعی صورت می‌گیرد. اما علم و پراتیک انسان دخالت نیروهای ماوراء طبیعی را در این روند به چالش کشیده‌اند. نظریه دیگری هم از سوی علمای بورژوازی مطرح شده است مبنی بر این که تکامل جامعه به حد تعیین‌کننده‌ای به محیط جغرافیایی، یعنی به شرایط طبیعی مشخص هر جامعه (آب و هوا، خاک، معادن و غیره) بستگی دارد. این، نظری است منطقی که محیط جغرافیایی یکی از شرایط اساسی تکامل اجتماعی است، ولی عامل تعیین‌کننده نیست. طرف سه هزار سال در اروپای غربی سه نظام اجتماعی متوالی و در اروپای مرکزی و شرقی حتی چهار نظام اجتماعی مختلف به وجود آمده است، در حالی که در خلال این مدت محیط جغرافیایی اروپا یا ابداً تغییری نکرده و یا تغییرات آن به قدری ناچیز بوده است که جغرافی دانان، آن را به حساب نمی‌آورند.

برخی تصور می‌کند حرکت تاریخ تنها به اراده شخصیت‌های برجسته، سیاستمداران، ژنرال‌ها و نظایر آنها بستگی دارد. اما در واقع این شخصیت‌ها وقوع رویدادها را تسریع یا آن را کند می‌کنند، اما از تغییر مسیر تاریخ عاجزند. پس چه عاملی تعیین‌کننده تکامل جامعه است؟ بنیانگذار فلسفه علمی نخستین کسی بود که پاسخ این پرسش را یافت: افراد انسان برای آن که بتوانند زندگی کنند باید،

---

→ سیاسی و اجتماعی این شکل طبقاتی سر و کار دارد، عنوان «اقتصاد سیاسی» را بر آن نهاده‌اند. (م).

غذا، لباس، مسکن، و سایر اسباب مادی زندگی را داشته باشند و برای داشتن این اسباب مادی معاش، باید آن‌ها را تولید کنند؛ یعنی، باید کار کنند. هر جامعه‌ای اگر تولید ثروت‌های مادی را متوقف سازد، از بین خواهد رفت. بنابراین تولید ثروت مادی شالوده حیات و تکامل هر جامعه است. منظور از تولید ثروت مادی چیست؟ در روند تولید ثروت، کار انسان، وسایل کار و نیز آنچه موضوع و مورد کار انسان واقع می‌شود، دخالت دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

کار فعالیتی است که با هدف و منظور معینی به وسیله انسان، در جهت تولید ثروت‌های مادی صورت گیرد. انسان در روند کار، بر روی طبیعت عمل می‌کند تا آن را موافق نیازمندی‌هایش دگرگون سازد. کار، خصوصیت انحصاری انسان و یک ضرورت طبیعی ازلی و ابدی و یکی از شرایط اولیه و اصلی زندگی انسان است. همان‌طور که یکی از فرزندانگان قرن نوزدهم خاطرشان می‌سازد «خود انسان را هم کار آفریده است».

روند تولید، بدون وسایل کار، غیرقابل تصور است. وسایل کار اصطلاحی است که بر تمام اشیائی دلالت دارد که افراد انسان، به کمک آن‌ها روی موضوع کار خود عمل کرده و آن را دگرگون می‌سازند. وسایل کار شامل ماشین‌آلات و تجهیزات، افزارها و اسباب کار، ساختمان‌هایی که برای کارهای تولیدی مورد استفاده قرار می‌گیرند، وسایل حمل و نقل، ترعه‌ها و مجاری، خطوط انتقال نیرو و غیره می‌گردد. زمین نیز یک وسیله عمومی کار است. در میان وسایل کار، افزار تولید، نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند. تأثیر نیروی انسان، برای تغییر طبیعت، به افزاری که به کار می‌برد بستگی دارد. انسان جامعه اولیه، از سنگ و چوب به عنوان اسباب تولیدی خود استفاده می‌کرد، و به این ترتیب در مقابل طبیعت بسیار ناتوان بود. انسان نو به کمک ماشین‌های نیرومندی کار می‌کند و نیروی او در برابر طبیعت بی‌اندازه افزایش یافته است. بنیانگذار فلسفه علمی

یادآور می‌شود که دوره‌های اقتصادی نه به وسیله آن‌چه تولید شده بلکه به وسیله افزایشی که برای تولید ثروت مادی طی آن دوره‌ها به کار می‌رفته، از یکدیگر متمایز می‌شوند.

افراد انسان به کمک اسباب تولید خود، روی موضوع کار - یعنی کلیه چیزهایی که کار انسان روی آن‌ها انجام می‌گیرد - عمل می‌کنند، و چون این کار، صرف طبیعی می‌شود که پیرامون انسان را فرا گرفته است، بنابراین طبیعت (زمین و دل خاک) خود یک موضوع کار عمومی است. کلیه آن‌چه که مورد و موضوع اولیه کار انسان واقع می‌شود، در طبیعت آماده و در دسترس انسان است و انسان باید آن را بنا به نیازهای خود، تغییر دهد.

وسایل کار و موضوع کار مجموعاً وسایل تولید را تشکیل می‌دهند. اما بدیهی است که وسایل تولید به خودی خود قادر به تولید ثروت مادی نیستند و بهترین تجهیزات کلی بدون انسانی که در کار خود از آن‌ها استفاده کند فراورده و حاصلی به بار نمی‌آورند. بنابراین عامل تعیین‌کننده در تمام تولید، خود انسان، یعنی نیروی کار او است.

### نیروهای مولد و روابط تولیدی

تولید، صرف‌نظر از سطح تکامل آن، همیشه دارای دو جنبه است: نیروهای مولد و روابط تولیدی. نیروهای مولد، شامل وسایل تولیدی است که به وسیله جامعه به وجود آمده - پیش از هر چیز افزار کار - و همچنین شامل افرادی است که به تولید ثروت مادی مبادرت می‌ورزند. این، انسان است که به واسطه دانش، تجربه و تخصص و مهارتش در کار، اسباب تولید را به کار انداخته و به بهبود و اصلاح آن، به اختراع ماشین آلات تازه و به گسترش و افزایش دانش خود مبادرت می‌ورزد. به این طریق تکامل نیروهای مولد تحقق یافته و ثروت مادی جامعه، با حجم روزافزون به دست می‌آید. ولی انسان ثروت‌های مادی را نه با کار انفرادی و مستقل

خویش، بلکه به صورت اجتماعی، با همکاری دیگران، در داخل گروه‌هایی تولید می‌کند. یک کارخانه مدرن کفش‌سازی را به عنوان مثال در نظر بگیرید. برای ساختن فقط یک کالای - یک کفش - چند نفر را در آنجا سرگرم کار خواهیم یافت؟ صدها، هزارها، یا حتی تعدادی بیش از این کار می‌کنند تا برای این کارخانه ماشین‌آلات، چرم، نخ، سوزن و غیره فراهم شود. آن مزرعه کوچک دهقانی نیز غله خود را خارج از جهانی که پیرامون او را احاطه کرده، تولید نمی‌کند. آن زارع به گاوآهنی نیازمند است که به وسیله صنعتگری یا کارخانه‌ای ساخته می‌شود. همچنین به نمک، کبریت، صابون، و نظایر این‌ها احتیاج دارد که آن‌ها نیز به وسیله کسان دیگری تولید می‌شوند. در نتیجه، افراد انسان در روند تولید ثروت مادی، وابسته به یکدیگر بوده و با یکدیگر روابط و مناسبات معینی پیدا می‌کنند. بنیانگذار فلسفه علمی روابط بین افراد در روند تولید، توزیع و مبادله ثروت را، روابط تولیدی یا اقتصادی می‌نامد.

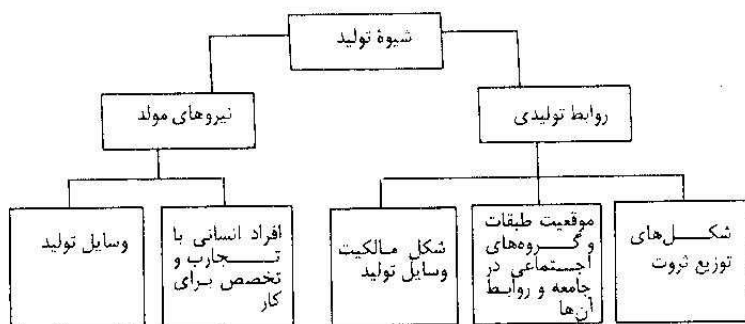
روابط تولیدی ممکن است به شکل همکاری و مساعدت متقابل، بین مردمی فارغ از استثمار یا به شکل استثمار انسان به وسیله انسان باشد و این امر به نوبه خود بستگی به این دارد که چه کسی یا چه کسانی مالک وسایل تولید (زمین و ثروت‌های معدنی، جنگل‌ها، کارخانجات، کارگاه‌ها، افزار کار و غیره) باشند.

وقتی وسایل تولید در مالکیت خصوصی باشند، یعنی متعلق به همه جامعه نبوده بلکه منحصرأ در مالکیت افرادی مشخص و متمایز از دیگران یا در مالکیت گروه‌ها و طبقات اجتماعی خاصی باشند، روابط حاصل، مبتنی بر استثمار انسان به وسیله انسان و مبتنی بر انقیاد و وجود فرمانبر و فرمانروا خواهند بود. رابطه افراد مردم با وسایل تولید، موقعیت و موضع آنان در تولید و روش‌های توزیع فرآورده‌های کار را تعیین می‌نماید. مثلاً در برخی جوامع در حالی که اکثریت زحمتکش‌شان در فقر به سر می‌برند، بورژوازی چون مالک وسایل تولید است کلیه حاصل کار

آنان را در اختیار خود می‌گیرد. اما اگر وسایل تولید متعلق به مردم یعنی تحت مالکیت جامعه نباشد، کالاهای مصرفی به تناسب کاری که افراد صرف کرده‌اند، توزیع می‌گردد و این امر موجب ترقی مداوم سطح مادی و فرهنگی زندگی کلیه مردم می‌شود. مفهوم روابط تولیدی (یا اقتصادی) افراد جامعه با یکدیگر، همین است.

در طول تاریخ بشر، پنج نظام اصلی روابط تولیدی شناخته شده است: روابط تولیدی جامعه ابتدایی، روابط تولیدی برده‌داری، روابط تولیدی زمینداری، روابط تولیدی سرمایه‌داری و روابط تولیدی سوسیالیستی. خصوصیت تعیین‌کننده و به وجود آورنده هر یک از این انواع، شکل معینی از مالکیت اسباب و وسایل تولید می‌باشد. به این ترتیب شکل‌گرفته روابط تولیدی در نظام برده‌داری، زمینداری و سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی وسایل تولید است. این نوع مالکیت، تقسیم جامعه را به طبقات متخاصم استثمارگر و استثمارشونده، موجب شده و می‌شود.

نیروهای مولد و روابط تولیدی، مجسمه‌ها «شیوه تولید» را تشکیل می‌دهند.



اگرچه نیروهای مولد و روابط تولید در «شیوه تولید» وحدت می‌یابند، اما آن‌ها دو جنبه جداگانه «شیوه تولید» هستند. این دو، هر یک

در دیگری اثر گذارده و تحت تأثیر متقابل یکدیگرند. نیروهای مولد و روابط تولیدی در روند بهبود تولید، هر دو تکامل می‌یابند.

نیروهای مولد، پرتحرک‌ترین عنصر «شیوه تولید» بوده و دائماً در تغییرند زیرا انسان پیوسته افزار کار خود را بهبود بخشیده و بر تجارب تولیدی خود می‌افزاید. اما روابط تولیدی، این‌ها نیز متناسب با سطح تکامل نیروهای مولد تحول یافته و به نوبه خود بر این تکامل تأثیر می‌گذارند.

هنگامی که روابط تولیدی با سطح تکامل نیروهای مولد متناسب باشد، نیروهای مولد لاینقطع پیشرفت می‌کنند. هنگامی که روابط تولیدی با سطح تکامل نیروهای مولد تناسب و هماهنگی نداشته باشند، نقش ترمزی را در تولید بازی می‌کنند. در چنین جوامعی تولید نسبتاً به کندی پیشرفت می‌کند و در طول بحران‌های اقتصادی، وقتی میلیون‌ها نفر از زحمتکشان، با از دست دادن کار خود مازاد بر احتیاج شده و صفوف بیکاران را انباشته می‌سازند، حتی به عقب بر رانده می‌شود. این وضع بدان سبب پیش می‌آید که در جامعه بورژوازی، مالکیت خصوصی سرمایه‌داری وسایل تولید، بر امر تولید حاکم است و این، مانع رشد بیشتر نیروهای مولد می‌گردد.

هر سطح معینی از رشد و تکامل نیروهای مولد، نیازمند روابط تولیدی متناسب با آن است. این قانون اقتصادی، نخستین بار به وسیله بنیانگذار نگرش علمی-تاریخی کشف و به این ترتیب بیان گردید که: «روابط تولیدی با کاراکنر نیروهای مولد تناسب و همبستگی دارند». این قانون، اساس اقتصادی انقلابات و دگرگونی‌های اجتماعی را فاش می‌سازد. هنگامی که روابط تولیدی با رشد و تکامل نیروهای مولد هم‌پایی نداشته، از آن عقب مانده، منسوخ و مانع تکامل نیروهای مولد گردند، به ناچار روابط تولیدی نوینی جانشین آن‌ها می‌گردد.

در جامعه‌ای که به طبقات متخاصم تقسیم شده باشد، روابط تولیدی

نو، به وسیله انقلاب اجتماعی جایگزین روابط تولیدی پیشین می‌گردد. برای تغییر روابط تولیدی کهنه، که در تکامل نیروهای مولد ترمز شده‌اند، نیرویی اجتماعی لازم است. نیروهای مولد نوخاسته و رو به تکامل، خود چنین نیرویی هستند.

«شیوه تولید» را باید از «زیربنای جامعه» تمیز داد. «زیربنا» مجموعه تمامی روابط تولیدی حاکم در یک جامعه معین است. روابطی که با سطح تکامل موجود نیروهای مولد تناسب دارند. زیربنای جامعه نیز ممکن است متعارض یا غیر متعارض باشد. جوامع برده‌داری، زمینداری و سرمایه‌داری اساساً دارای ماهیت تعارضی هستند، زیرا بر مبنای مالکیت خصوصی وسایل تولید و مناسبات مبتنی بر انقیاد و استثمار انسان به وسیله انسان پایه‌گذاری شده‌اند.

زیربنا، روبنای هماهنگ و متناسب با خود نیز به وجود آورده و تکامل آن را ایجاب و تعیین می‌کند. منظور از اصطلاح «روبنا» نظریات سیاسی، فلسفی، حقوقی، هنری، مذهبی و دیگر نظریات اجتماعی و نهادهای مربوط به آنهاست.

در یک جامعه طبقاتی روبناها دارای یک محتوای طبقاتی هستند. طبقه حاکم برابر نظرات خود، نهادهایی برای دفاع از منافع و مصالح طبقاتی اش به وجود می‌آورد.

زیربنا و روبنای آن، هر دو برای مدت زمان معینی دوام خواهند داشت. وقتی زیربنا دگرگون شد، روبنای آن نیز دستخوش تحول خواهد گردید. به این ترتیب تغییر زیربنای فئودالی و جایگزین شدن زیربنای سرمایه‌داری به جای آن، موجب شد تا روبنای سرمایه‌داری نیز جانشین روبنای فئودالی گردد و قس علیهذا... اگرچه روبنا اصولاً به وسیله زیربنا به وجود می‌آید، لیکن عناصر جداگانه یک روبنای نو، ممکن است در داخل جامعه کهن نیز پیدا شوند، زیرا در جامعه کهنه است که پنداره‌ها و نظریات طبقه مترقی ظهور می‌کنند.